

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

نوشته: سعید عطاپور
۱۹ جنوری ۲۰۲۲

زنگها برای اروپا به صدا درآمده اند

حرف درست را از زبان "اروپای عصبانی" بشنوید، شاه کلیدی که حذف شد: "اینکار را فقط پیروزمندان انجام می دهند" جوزف بورل

پس از سقوط بلوک شرق و از بین رفتن آخرین بارقه های اجتماعی و سیاسی دوران ظفرمند انقلاب اکتوبر، بشریت وارد یکی از سیاه ترین دورانهای تاریخ گردید. دورانی که بیش از هر چیز مهر انباشت نجومی سرمایه و استثمار لجام گسیخته انسان از انسان و طبیعت را بر خود داشته، و برای تحقق این هدف از نابودی تمامی مظاهر آزادی واقعی فرد نیز ابائی نبود. دورانی که کرامت انسانی از میان رفته و انسان موفق انسانی بود که تبدیل به حیوانی با ولع سیری ناپذیر شده باشد.

اما برآمد و نتیجه منطقی و جبری گسترش سرمایه داری بر پهنه جهان رشد عظیم فنی در مناطق دیگر و برآمدن بلوکهای قدرتمند نظامی و اقتصادی و سیاسی رقیب را نیز با خود به همراه آورد و اینان نیز به نوبه خود همانند قوه ممیزه ای برای تعریف مجدد روابط بین المللی پای به میدان گذاشتند. بورژوازی (غرب) سرمست از پیروزی بر آرمانهای سوسیالیستی در جهان و "پایان تاریخ"، خود نه تنها میلیون ها نیروی کار جدید را آزاد کرد، بلکه رقبائی را نیز برای خود به وجود آورده بود که پیش از این به مدت صدها سال تحقیر و تحمیق شده بودند. اکنون این رقباء خواستار احقاق سهمی مناسب در دست آوردهای اقتصاد جهانی می باشند و برای دستیابی به آن از ابزارهای لازم نیز برخوردارند. نه تنها در زمینه های نظامی، بلکه همچنین در عرصه های اقتصادی، نظامی و ایدئولوژیک.

اما اربابان نظم قدیم، نظامهای سرمایه داری غرب که در تمام طول تاریخشان از همان زمان شکل گیری و ابتدای تکوین خود بر نظامیگری عربیان و تهاجم هار و غارتگرانه استوار بودند، علی رغم تغییر شرایط توازن قوای بین المللی کماکان از پذیرش واقعتهای تغییر یافته سر باز زده و بر در ادامه همان سیاستهای پیشین خود پافشاری می کنند. با دستجات مختلفی از بازیگران، هر چند با توانهای متفاوت اقتصاد، نظامی و سیاسی. نقطه اتصال همه آنها اما تصویری است که این سروران تکنونی جهان از نقش خود و رسالت خود برای به انقیاد کشیدن ملت‌های دیگر دارند. درکی مبتنی بر رابطه بین "انسان برتر" در مقابل "موجودات" پست" دیگر و "وظیفه تاریخی" هدایت آنان.

یکی از بارزترین نمود های این وضعیت گسترش مداوم و تهاجمی ناتو علیه روسیه در منطقه اوکراین و بحیره سیاه (به منظور تصرف هیبریدی قهر آمیز-اقتصادی-سیاسی این فضاء) است که در آن دمکراسی غربی همان «انسان

خوب» با «مأموریت تاریخی» است و در مقابل روسهای اسلاو تجسم «انسان بد». «با فرهنگ» در مقابل «بی فرهنگ» و «دمکراسی» در مقابل با «اقتدارگرایی».

اما آنچه در این میان تغییر کرده است توازن است که در آن یک بخش اصلی این تمدن و الاثر غربی عملاً به موقعیتی درجه دو تنزل یافته است. یک جنبه بسیار مهم این وقایع و نتایج آن، یعنی دخالت مستقیم امریکا در مواجهه با روسیه و اقتصاد در حال برآمد اروپا بر متن خصومت با ابرقدرت اقتصادی دیگر یعنی چین، حذف عملی اروپا به عنوان یک قطب واقعی تصمیم گیری از معادلات دیپلماتیک با روسیه است.

نتایج اولتیماتوم روسیه به امریکا و ناتو تا همین الان نیز درماندگی بازیگران غربی را آشکار کرده است. اروپا به عنوان یک بازیگر بین المللی از صحنه تصمیم گیریهای آینده بین المللی در جهان در حال حذف شدن است. اظهارات اخیر جوزف بورل سخنگوی سیاسی اروپا این وضعیت اسفبار را به بهترین وجهی منعکس نمود.

توهینی با سرعتی معادل ۲۷ ماخ [۱]

جوزف بورل نماینده روابط خارجی اروپا که به بیانی سخنگوی سیاسی این اتحادیه نیز به شمار می رود، اخیراً در مصاحبه ای با روزنامه المانی دی ولت و به تشریح موضع اروپا در روال مذاکرات آتی روسیه و امریکا و نقش اروپا در بحران اوکراین پرداخت، که عمق ناتوانی اروپا را نشان می دهد.

وی در این مصاحبه با عصبانیت در مورد پیشنهاد مکتوب همه جانبه روسیه در مورد تعهد غرب به عدم گسترش ناتو، پایان بخشی به مسابقه تسلیحاتی، حضور نظامی در کشورهای دیگر، عدم تعرض به حریم ساحلی و آبی و حریم هوایی سایر کشورها و چشم پوشی از تهاجم دائمی به سایر کشورها، تحریمهای اقتصادی، عدم صدور انقلابات رنگی ... [۲][۳] می گوید:

«اینها (روسیه) نمی توانند بدون حضور اروپا مذاکرات را به پیش ببرند، و حتی از آن بالاتر برای این مذاکرات پیش شرط هم بگذارند، "این کار را فقط فاتحان انجام می دهند:" این که بگویند، اینها پیش شرطها و قیود ما هستند و خواهان تضمینی شوند برای این که ناتو بیشتر از این به سمت شرق گسترش نیابد، کاملاً غیر قابل قبول است.»

این اظهارات فقط محدود به بورل نبود. رسانه های ارکستر ترانس آتلانتیکی هم طبق معمول وارد میدان شده و در زمینه مذمومیت اقدام روسیه به قلمقرسانی دست زدند. به طور نمونه روزنامه زود دویچه سائیتونگ (ارگان قلم به دستهای چپ عضو باشگاه ترانس آتلانتیک در المان) در حالی که نمی تواند عصبی بودن خود را پنهان نگه دارد می نویسد:

[۴]

"پوتین دیکته می کند، بایدن واکنش نشان می دهد. با این کار این سیگنال ارسال می شود که روسیه بار دیگر به عنوان یک ابر قدرت به رسمیت شناخته شده و به همین عنوان مورد ارزیابی قرار گرفته و مسکو صاحب خط تماس مستقیم با واشنگتن می شود. با اینکار حاکم کرملین به آنچه که می خواست رسید: جلب توجه." و در ادامه به شکوه و گله از امریکا می پردازد که: "این که امریکا حتی نیازی در آن نمی بیند، که نمایندگی سیاسی اتحادیه اروپا را در جریان امور قرار دهد، تحقیر متحدان به شمار می رود."

هر چند مهمترین اعتراف بورل "اینکار را فقط پیروزمندان انجام می دهند" پس از مدتی کوتاه از مصاحبه وی در سایت وی ولت حذف گردید، اما چاشنی انفجاری این سخنان در حقیقت در اذعان بورل به عنوان بالاترین مقام سیاسی اروپا آن را بر زبان می آورد، در کلمه "پیروزمند" آن خوابیده است.

این که یک مقام عالی رتبه اروپا در مصاحبه ای گاف بزرگ می دهد و طرف مقابل را ناخواسته به عنوان پیروزمند اعلام می کند ریشه در واقعیت های میدانی ای دارد که به خصوص در عرصه نظامی اتفاق افتاده اند و از سالها پیش برای

ستراتژیستهای غربی روشن می‌شد. به طور مثال کمیسیون ملی دفاع ستراتیژیک امریکا در سال ۲۰۱۸ در گزارشی که پیرامون نتایج درگیری نظامی با روسیه و یا چین در سایت اتاق فکر راند به چاپ رسیده، به این نتیجه گیری می‌رسد که: [۴]

"در صورتی که ایالات متحده امریکا در ادامه یک بحران پیرامون کشورهای بالتیک مجبور به جنگ علیه روسیه شوند، یا در مورد تایوان علیه چین مجبور به جنگ شوند، آتموق نیروی امریکائی محتملاً دچار شکستی سرنوشت ساز خواهند شد،... اگر رک باشیم، باید بگوئیم امریکا در نبردی آتی کشوری علیه کشور دیگر می‌تواند بازنده بیرون آید."

"We have no idea how they did this",

از زمان این نتیجه گیری مؤلفه های بسیار قدرتمند دیگری نیز به آنها اضافه شده اند. حتی اگر ما از ورود نسل جدید تجهیزات نظامی روسی صرف نظر کنیم و بر انواع مختلف سلاحهای پیشرفته مانند پوسایدون و زیرکون و کینزالها و قدرت نابودی اهداف بحری و هوایی این سلاحها چشم پوشی کنیم، پیشرفتهای خیره کننده چین نیز به تنهایی برای نشان دادن این تغییر کفایت می‌کنند. در تازه ترین مورد چین اخیراً با آزمایش یک راکت بین قاره ئی هایپر سونیک موجبات برآمدن عرق سرد بر پیشانی جنرالهای غرب شد. [۶]

شوگ وارده بر غرب به حدی بزرگ بود که فاینانشال تایمز به نقل از یک مقام امریکائی در زوریخ در سردرگمی کامل اعلام می‌کند: ما هیچ ایده ای نداریم که آنها چگونه موفق به این کار شدند. [۷] [۸] و چین کشوری است با سهم ۳۰ درصدی در نرخ رشد اقتصادی جهان که نمی‌توان بسادگی به تحقیر آن پرداخت.

اجزای دیگر این پازل وحشت برای غرب را می‌توان در زمینه های دیگری نیز مشاهده کرد؛ همکاری چین و روسیه در ارتقای الکترونیکی-دیجیتال راکت های قدرتمند روسی در شکار چشم های غرب (ماهواره ها) در فضاء، آزمایش راکت های هایپر سونیک از جانب چین و کوریای شمالی در روزهای گذشته، که به احتمال بسیار زیاد تکنولوژی آن از جانب روسیه در اختیار قرار گرفته است.

به همه اینها باید اضافه کرد که تاریخ سرتاسر خونین دمکراسی های غربی در اقصا نقاط جهان نیز حال به نقطه قوت دیگر چین و روسیه تبدیل شده است. سابقه ای بغایت سیاه از اروپا به خصوص در قاره آفریقا و کولونیا لیسیم آن که حتی تا به امروز نیز در برخی نقاط و عرصه ها ادامه دارد (به عنوان نمونه ادامه تسلط اجباری فرانک و بانک مرکزی فرانسه بر اقتصاد بسیاری از کشورهای آفریقائی نام برد، که علت اصلی اجماع تهاجم امپریالیستی فرانسوی-غربی برای حمله و نابودی لیبیا معمر قذافی، به خاطر تصمیم وی برای راه اندازی بانک و واحد پول آفریقائی بود).

ما وارد جهان سه قطبی می شویم (اروپا و سندروم اشرف غنی) [۹] [۱۰]

هر چند نخوت حاکم بر "فرهنگ برتر" سرمایه داری غرب و متفکران و طرفدارانش مانع دیدن شروع اضمحلال و افول امپراتوری سرمایه داری غرب (امپریالیسم) شده است، با این حال صداهائی در غرب در حال بلند شدن هستند که نشان می‌دهند چاره‌ای جز تن دادن به واقعیت در مقابلشان نیست. مارک میلی رئیس ستاد مشترک ارتش امریکا در مصاحبه ای با سی بی اس به تاریخ ۷ نومبر ۲۰۲۱ اعلام می‌کند: ما وارد وارد جهانی سه قطبی می شویم که امریکا، روسیه و چین بازیگران اصلی آن خواهند بود. صرف نظر از این که نقش امریکا در این جهان سه قطبی چه خواهد بود، تا چه حد تأثیر گذار خواهد بود یا نه، می‌توان گمانه زنی کرد. اما آن چیزی که مسلم است، در این میان اسمی از اروپا در میان نیست.

دیدن این کابوس وحشتناک این برای اروپا بر دیوار واقعیت بسیار ناخوشایند است. آینده اروپایی که در ۷۰ سال گذشته در تمام جنایتها و سیاستهای امریکا و در چتر قدرت آن شریک و از این طریق در کشور گشائی های آن شریک بود، سرنوشت وحشتناک "ارتش ظفر مند دمکراسی لیبرال" در کابل که هنوز از تیتز اخبار پاک نشده است، خود را به عنوان آینده ای بسیار سخت مطرح می کند: "سندروم دولت غنی" و "حمایت همه جانبه" امریکا. هیستری روس ستیزی این روزهای مدیا و محافل دیپلماتیک اروپایی و سرپل های فکری ایرانی آن یا گروه هائی که منافع طبقاتی مشترکی با آن دارند، از سرداران از دور خارج شده سپاه از قبیل علانی گرفته تا احمدی نژاد و "روزنامه چی" های اصلاح طلب طبقه متوسط غربگرا تا انواع براندازان هم تنها و تنها به خاطر کابوس تصور این "آینده سیاه" و نابودی بنیادهای مادی وجودی آنها در آینده است. نظمی که امریکا محور آن بود دارد به پایان می رسد و اکنون روسیه و چین با صراحت عدم پذیرش آن را اعلام می کنند و به طور مثال بیانیه ای رسمی که توسط این دو کشور در تاریخ ۱۷ دسمبر ۲۰۲۱ منتشر شده است و در آن این دو خواستار بازگشت جهان غرب (امریکا و اروپا) به منشور ملل متحد و تعهدالتزام آور آنها برای احترام گذاری بر مفاد این منشور برای جلوگیری از جنگ و در راستای پیشبرد و تثبیت روابط بین المللی بر اساس احترام متقابل و نه اعمال زور و پایان تحمیل تصمیمات یک جانبه از سوی این کشورها شدند. [۱۲] دقت در تاریخ این بیانیه نیز گویا است. بیانیه ای که درست در روز علنی شدن اولتیماتوم روسیه به غرب منتشر شد.

بازندگان اصلی این بازگشت به منشور ملل متحد کشورهای اروپایی با دولتهای بشدت توسعه طلب و نفولیرال مثل اوکراین، المان، پولند، لیتوانی و.... می باشند که زیر چتر حمایتی ناتو از یک سو تهاجمی ترین سیاستها را در قبال سایر کشورهای جهان اتخاذ کرده و از سوی دیگر به خاطر ضعف نظامی خود براحتی در لاک قربانی از موضع مظلوم نمائی فرو می روند، چرا که موجودیت آنها در پیمان ناتو تضمینی معادل چک سفید برای پرووکاسیون را در اختیار آنان قرار می دهد. در صورت تعهد امریکا به این منشور، شرایط بازی دیپلماتیک بین المللی دچار تغییرات جدی خواهد شد.

این تحولی است که خواسته یا ناخواسته بر شرایط مبارزه طبقاتی در سرتاسر جهان تأثیرگذار خواهد بود. با در هم شکستن هیمنه سرمایه داری غرب، ضربه های اساسی نیز بر سلطه تاکنونی و شکست ناپذیر ابزارهای ایدئولوژیک آن و تسلط ایدئولوژی بورژوائی بر افکار عمومی، علم، دانش و باورهای به ظاهر "جاودانی شده آن" پیرامون تقدس بازار آزادی که غرب شرایط بازی در آن را دیکته می کند و دمکراسی طلبی بورژوائی وارد خواهد شد. بورژوازی لیبرال دیگر قادر نخواهد بود به تنهایی نقش "نویسنده تاریخ" از موضع پیروزمند را به خود اختیار دهد. باورهای تا کنونی تسلط سیاسی و ایدئولوژیک آن، دمکراسی پارلمانی بورژوائی، تقدس مالکیت خصوصی و اشکال حاکمیت سیاسی و اقتصادی آن نیز متعاقباً به عنوان "یگانه" راه چاره اصلی اداره جامعه از اعتبار می افتند و در این شرایط بورژوازی لیبرال در مهد تولد خود، غرب و به خصوص اروپا گسترش رو افزون اضمحلال درونی خود را تجربه می کند. این دولتها برای ادامه حفظ سیادت سرمایه داری لیبرالی خود نیز به طور روز افزونی به سویه های فاشیستی حکومتی به جای "اشکال دمکراتیک" اعمال قدرت روی می آورند و با هر کدام از این گامها، خود یک به یک ستونهای پروپاگاندا مشروعیت خود، مثل "آزادی بیان بی قید و شرط"، حکومت پارلمان بر ارکانهای اجرائی و مهمتر از همه "اصل جدائی قوای مقننه، مجریه، قضائیه" را روبه روز بیشتر تحدید کرده و یا در زمینه هائی کلاً برچینند! این روندی است که بابرانهای عمیق اقتصادی و سونامی در حال شکل گیری ترکش حباب مالی و بروز

موجهای بیکاری عظیم در آینده نزدیک و تلاطمات اجتماعی در مسیری پرشتاب قرار گرفته و تحولاتی پایه‌ئی را در سپهر سیاسی رقم خواهد زد.

اولتیماتوم روسیه در صورت موفقیت، زنگ وارد شدن به گود دیگری از تاریخ را، که در آن دیگر هیچ نینائی، پینتائی و سنتا ماریائی [۱۳] از غرب و به خصوص اروپا امکان لنگر برجیدن براحتی برای فتح خاورمیانه یا دورترین نقاط از قاره جدید تا سواحل چین و جزایر دورافتاده اقیانوسیه را از دست می دهد. بحریمایان مدرن آن در قالب بورس باز و نیروی واکنش سریع و هر شکل و شمایلی دیگر قادر نخواهند بود تا جهان را در هم نوردیده و آن را به تسلط خود درآورند.

شکست این نظم قدر قدرت می تواند روزنه ای برای آینده بشریت باز کند و شرایط رشد جنبشهای آزادیبخش واقعی و سوسیالیستی را فراهم کند. نباید فراموش کرد که دمکراسی های غرب حاملان و حافظان اصلی نظم سرمایه داری بودند و هستند. با زوال آنان بختک ایدئولوژیک لیبرالیسم نیز در هم خواهد شکست که به "باور الهی" اکثریت قریب به اتفاق مردم جهان و کارگران تبدیل شده بود و با این در هم شکستن امکانات به مراتب بهتری برای رشد ایده های کمونیستی فراهم می شود.

سعید عطاپور

۲۱ جدی ۱۴۰۰ برابر با ۱۱ جنوری ۲۰۲۲

منابع:

[1] روسیه راکت جدید آوانگارد با سرعتی معادل ۲۷ ماخ را با موفقیت آزمایش می کند

<https://www.newsweek.com/russian-new-weapon-mach-27-avangard-hypersonic-glide-vehicle-intercontinental-1273729>

متن کامل قرارداد پیشنهادی روسیه ترجمه المانی [2]

https://develop.ostinstitut.de/files/de/2021/Ostinstitut_Vertrag_zwischen_der_RF_und_den_USA_%C3%BCber_Sicherheitsgarantien_OL_2_2021.pdf

[3]

<https://www.welt.de/politik/ausland/plus235918076/Josep-Borrell-Nichts-wird-ueber-uns-entschieden-ohne-dass-wir-dabei-sind.html>

[4]

<https://www.sueddeutsche.de/meinung/russland-usa-eu-1.5498956>

[5]

<https://www.rand.org/blog/2021/06/defeat-is-possible.html>

[6]

<https://de.rt.com/international/125825-medienberichte-china-testet-nuklearwaffenfahige-hyperschallrakete/>

[7]

<https://www.ft.com/content/ba0a3cde-719b-4040-93cb-a486e1f843fb?emailId=616b1e5d6873e300048f2b4b&segmentId=ce31c7f5-c2de-09db-abdc-f2fd624da608>

[8]

<https://www.zerohedge.com/geopolitical/china-tested-hypersonic-weapon-flew-around-world>

[9]

<https://www.defense.gov/News/News-Stories/Article/Article/2832397/milley-addresses-aspen-security-forum-on-todays-military-challenges/>

[10]

<https://marketresearchtelecast.com/pentagon-general-we-are-entering-a-tripolar-world-in-which-the-united-states-russia-and-china-are-great-powers/193808/>

[12] قرارداد ۱۷ دسمبر بین چین و روسیه بازگشت به منشور ملل متحد

<https://www.voltairenet.org/article215162.html>

[13] کشتی های ناوگان کریستوف کلمب که با آنها قاره امریکا رابه تصرف درآورده و متعاقب آن تاریخ و الزامات گسترش سریع سرمایه داری مدرن لیبرالی توام با برده داری و کولونیالیسم ... رقم خورد.